

## درون ذکاری یک نابغه و داوریش درباره دو گتاب

اندر بلای سخت پدید آید  
فضل و بزرگمردی و سالاری  
رودگی

پهلوان پنهه‌های یکروزه تاریخ، هنگامی که در  
گذرگاه آب خیز حادثه‌های بزرگ قرار می‌گیرند، چونان  
پر کاهی به بالا کشیده می‌شوند و این بدانان عظمتی خلاهری  
و دروغین می‌بخشد.

چون گردباد درمی‌گیرد، بادکنکها نیز به هوا  
می‌روند و اوج می‌گیرند و این عروج از میان تهی بودن  
است.

و چون موج فرو می‌نشیند و گردباد آرام می‌گیرد،  
سندبند تن یک لالی قهرمانان یکروزه دیگر از هم گسته است.  
پهلوان پنهه‌ها بر جاده تاریخ ردمپالی از خود به جای نمی‌گذارند.  
اما قهرمان راستین هیچگاه بازیچه امواج هتلاتام  
تاریخ نیست. بولاد وجودش در آتش تند حوادث نمی‌گذاشد،  
بل آبدیده‌تر می‌شود.

او، هنگامی که دیگر نمی‌تواند کشیش را به آب  
جاده افکند، حالت صغره‌ای سخت را به خود می‌گیرد  
که امواج درپایش می‌شکنند.

به زرفنای دریای درون خوبیش فرو می‌رود، و چون  
سر برده کشد، دستها بش از رهوارد سفر هیچگاه خالی نیست.  
و این شاهه‌ای است از غناء درون.

. و . ۵

از: «یادداشت‌های روزانه در مهاجرت»  
۴ آوریل ۱۹۳۵

... چند روزی است که هوا ناگهان تغییر کرده. با آنکه باعها غرق  
شکوفه است، از بامداد برف آغاز باریدن کرده، ولی برفی که به محض نشستن

دوباره آب می‌شود. آسمان خاکستری است. مه از کوهها به سوی دره پیائین می‌خزد. خانه مرطوب است و آدم سردش می‌شود... زندگی گردوی سخت‌شکنی است و انسان هنگامی میتواند بدون تسلیم و رضا و باری‌شخندکردن بر آن غلبه‌کند که در اندیشه‌ای بزرگ محاط باشد، اندیشه‌ای که ورای شوربختیهای فردی، ضعفها، پیمان شکنیها و وقاحتها قرار دارد.

دیروز رمان مارگریت را به نام «مونس» تمام کردم. او نویسنده‌ای ناتوان است. شر پیش‌با افتاده‌اش کوچکترین نشانی‌هم از مکتب بزرگ رمان نویسی فرانسه ندارد. گرایشهای یک‌جانبه آن سطحی و انفعالی است. این یک‌جانبگی زنانه شاید تا حدی با عصر لوئی فیلیپ هماهنگ باشد. ولی در حال حاضر چیزی کلیک‌زده‌تر از آن نیست. عشق توصیف شده در آن انگار تفاله‌گزارش یک کالاتری است.

## ۵ آوریل

با همه این، در رمان نامبرده بروابط شخصی و خانوادگی قشرهایی از بورژوازی فرانسه روشنایی افکنده شده که بهیچ وجه از بدترین قماشها نیست. «قهerman» کتاب سوسیالیست. نویسنده قهرمانش را سرزنش می‌کند که منش وی در برابر زنان مثل رفتار یک بورژوا یا به عبارت بهتر یک برده‌دار است.

در حقیقت هم جداول در نامه «پوپولر» برسر حق انتخابات برای زنان ثابت می‌کند که در جرگه سوسیالیستها نیز همان روشی درباره زنان حکم‌فرماست که قانونگذاری و حقوق این سرمیم را مسموم کرده است.

ولی میل باستقلال در کتاب مارگریت چیزی بیشتر از این نیست که به زن هم یک دسته‌چک حساب خصوصی تعلق بگیرد. شاید فقر فرهنگی ما در روسیه شامل وحشیگریهای باشد که اغلب در مطلع مذاهب ایوانی قرار دارد. ولی فرهنگهای کهن بورژوازی پر است از تحریرها، قساوت‌های متبلور و کینه‌توزیهای صیقلی شده و لعله داده.

زلزله‌ای بزرگ، تحولات و کوشش‌های عظیم لازم است تا انسان بتواند به عنوان یک شخصیت مستقل برپله بالاتری از تکامل پایی بگذارد. هوای تنبیری نکرده است. باران مهوعی می‌بارد. باغها پراز شکوفه است. امسال میوه‌ها آسیب سختی خواهند دید.

... سرشت انسان، عمیق و نیروی آن را ذخیره‌های عرفی و اخلاقی  
وی تعیین می‌کند. انسان هنگامی اعمق وجود خویش را کشف می‌کند که از  
مسیر عادی زندگی خارج شده باشد، چه او در چنین موقعیتی ناگزیر  
به ذخیره‌های عرفی و اخلاقی خویش دست می‌برد.

... کتاب «لئون فراپیه» را بنام «لاماتریل»، به پایان رسانده‌ام. من  
هیچگاه موفق به شناختن این نویسنده نشده بودم. در هر حال در این جرأت  
هست که تاریکترین زاویه‌های پشت پرده تمدن فرانسه، یعنی پاریس را به  
خوانندگان بنمایاند.

کودکان، بهویژه خردسالترین‌شان، دستخوش بیرونی و بیوقدانی  
زندگی می‌گردند. فراپیه خواسته است که تمدن معاصر فرانسه را با دیدگان  
و حشرت‌ده کودکان گرسنه و بیمناک مشاهده کند. کودکانی که خوشنان را گناه  
میراث اجتماعی‌شان مسموم کرده است. تجسم صحنه‌ها و حالات در وجه هنری  
آن یکپارچه نیست، اینجا و آنجا از مسیر منحرف می‌شود و گاهگاه سکته  
دارد. حتی قهرمان رمان دستخوش مشاهدات ساده‌لوحانه و آداب‌دانی می‌شود.  
ولی نویسنده رویهم رفته موفق شده است اثری مطلوب در خواننده بگذارد.  
او چاره‌ای نمی‌یابد، انگار در جستجوی چاره هم نیست. از کتاب، نفس  
نومیدی بر می‌خیزد. با وجود این، این نومیدی از نسخه‌پیچی کم‌بها و خود-  
خواهانه ویکتور مارگریت، در سطح بسیار بالاتری قرار دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتوال جامع علوم انسانی

## یادآوری

متأسفانه چاپ‌نباله‌مقاله‌با ارزش «چهره استعمار» ترجمه  
همکار ارجمند ما، خانم دکتر هما ناطق میسر نشد. در همین  
شماره مقاله‌ای دیگر از ایشان می‌خوانیم، امیدواریم علاقمندان  
به کتاب نامبرده دسترسی یابند.